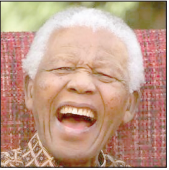
	نسون ماندلا محبوب‌تر شده است این یخند واقعی است علیرضا شهیمیرزادیان		ویکی لیکس، آنجلینا جولی و خطای رسانه‌ها محمدرضا نسب عبداللهی		بازار ادوات مراسم عزاداری محرم ماه خون علی رستگار		پیشنهاد کافه کافه میترآ زیر سایه میگ ۲۹ سیروس تسلیمی	
	۱۶		۱۵		۱۴		۱۴	

◀ **حرفه نقاشی** ▶**تعمین نی‌پور**

به تماشای آثار «جاناتان لاسکر»

دیالکتیک اندیشه‌ها روی بوم

جدیدترین آثار جاناتان لاسکر امریکایی هم دقیقاً همان راهی را ادامه می‌دهند که هنرمند از میانه‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی در آن قدم گذاشته است؛ کشف و شهود در سرزمین نقاشی، بررسی امکانات و احتمالات آن و در نهایت، یافتن خصوصیات مفهومی هنر. زبان رسمی نقاشی‌های لاسکر آستره است و ابزار تصویری که او برای جان‌بخشی به آثارش برمی‌گزیند، خطوط ساده و بعضاً موازی است که سراسر بوم نقاشی را پر می‌کنند؛ خطوطی که هر کدام برای خود به تنهایی جهانی را موازی با دلمشغولی‌های هنرمند خلق می‌کند. او از رنگ به جای چسب استفاده می‌کند تا از طریق آن، تکه‌های مختلف افکار و اندیشه‌هایش را روی بوم به هم بچسباند و تصاویری خلق کند که در عین حال که با هم در تضادند، یکدیگر را تکمیل هم می‌کنند. نقاشی‌های لاسکر به شدت حساب‌شده و دقیقند و در عین حال تصویری شخصی از تصاویر به حساب می‌آیند. برخلاف بسیاری از هنرمندان مدرن که آثارشان در شلوغ‌ترین گالری‌ها با قیمتی سرسام‌آور به نمایش درمی‌آیند، لاسکر از شهرت فراری است، معمولاً در افتتاحیه‌های نمایشگاه‌هایش شرکت نمی‌کند و تنها برای دانشجویان یا هنرمندان جوانی وقت می‌گذارد که به قول خودش «هنوز با شم شهرت و پول مسموم نشده‌اند».

جاناتان لاسکر نقاشی‌ها و ایده‌هایش را در فرمت‌های کوچک می‌آزماید و می‌پروراند و جان می‌بخشد. او ترکیب‌بندی‌هایش را با جزئیات کامل روی کاغذ می‌آورد و اگر از نتیجه راضی بود، سراغ بوم‌های بزرگ نقاشی می‌رود، افکارش را بزرگ‌نمایی می‌کند و جزئیات را با دقتی بیمارگونه به جان بومی می‌اندازد که قرار است تفکرات و اندیشه‌ها، آرزوها و ترس‌ها، امیدها و شکست‌هایش را پیش روی بیننده زنده کند و برای همیشه در دل خود نگه دارد. در این مسیر لاسکر انکار عایقی میان خودانگیزختگی عمل نقاشی کردن و اثر نهایی‌اش قرار می‌دهد تا در تمام لحظات، آگاهانه‌اثرش را خلق کند. رویکردی چنین مهارکننده‌است که لاسکر را از بسیاری از هنرمندان هم‌عصرش و آنهایی که نقاشی آستره را اعتبار بخشیدند، متمایز می‌کند. بسیاری از منتقدان آثار او، آنها را بازتاب‌هایی وسواس‌گونه از شخصیت پیچیده لاسکر می‌دانند. حتی اگر چنین باشد هم نمی‌توان به لاسکر خرده گرفت. او نقاشی را به عنوان تفریح و گریزی از دشواری‌های زندگی روزمره و به عنوان هنری والا می‌ستاید و به آن احترام می‌گذارد. این احترام نقاش به نقاشی است که در خلال پیچ و خم‌های طراحی‌هایش و استفاده او از رنگ و نقش‌های آستره مجالی برای بروز می‌یابد.

آنچه لاسکر انجام می‌دهد، سنتز هنرمندانه تصاویر روی بوم است که در نهایت، دینامیسمی پویا و در عین حال آزاردهنده و تاثیرگذار به آثار او می‌بخشد و از همین طریق است که آثار لاسکر بدل کارهای هیچ هنرمند دیگری نیستند، یا حتی خود را تکرار نمی‌کنند و تکراری نمی‌شوند و موقعیتی متفاوت با تمام آثار هنرمندان مدرن دیگر می‌یابند. لاسکر جهان نقاشی معاصر را تکان داده و مدام آن را از تو می‌سازد و با نوآوری‌هایش هنرمندان جوان را به دنیای هنر مدرن دعوت می‌کند. او در طول سال‌های فعالیتش به یکی از اساتید ترکیب‌بندی در نقاشی معاصر تبدیل شده و از این طریق تأثیری ماندگار بر سرنوشت و آینده نقاشی آستره گذاشته است؛ تأثیری که حتی برای سرسخت‌ترین منتقدانش هم مجالی برای انکار آن نمی‌دهد.

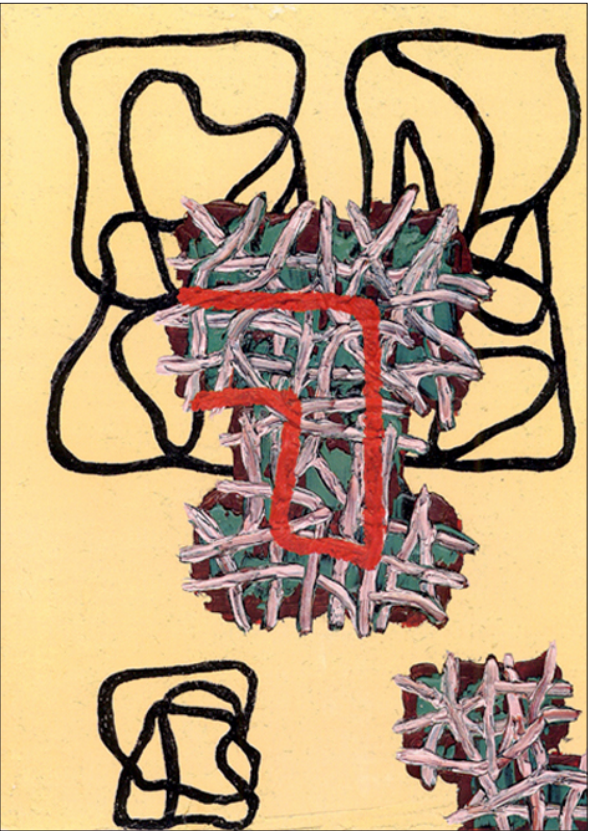


جاناتان لاسکر در سال ۱۹۴۸ در ایالت نیوجرسی در امریکا به دنیا آمده واکتوبن هم در قلب تپنده هنر مدرن یعنی در نیویورک کار و زندگی می‌کند. تعداد نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی‌ای که برگزار کرده حقیقتاً حیرت‌انگیز است و از این‌ نظر در زمره هنرمندان پرکار نقاشی قرار دارد. بسیاری از موزه‌ها و گالری‌های بزرگ سراسر جهان برای نمایش دادن آثار او رقابتی تنگاتنگ با هم دارند. مجموعه‌داران شخصی برای خرید کارهایش سر و دست می‌شکنند و تا به حال چندین روزنامه‌نگار و نویسنده، زندگی او و رویکردش به نقاشی را موضوع کتاب‌های خود قرار داده‌اند. نمونه آنها هم ریچارد میلارتو نویسنده روزنامه واشنگتن‌پست است که در سال ۲۰۰۵ کتاب «جاناتان لاسکر؛ وقتی عبارات به تصویر می‌آیند» را با تکیه بر گفت‌ووشنودهای طولانی‌اش با هنرمند منتشر کرد. لاسکر اما هیچ کدام از اینها را نمونه‌های عینی موفقیت نمی‌داند و چنین عقیده دارد که «برای من، دیدن آثار هنرمندان جوان، شنیدن نظرهایشان درباره زندگی و نقاشی، کار کردن در آتلیه‌ام و راه رفتن در خیابان‌های نیویورک است که مصداق جریان داشتن زندگی و ارزشمندی دقایق است، نه اینکه در فلان گالری، فلان هندروست میلیونر روی لحنطانی از زندگی شخصی‌ام که در قالب نقاشی‌ها ثبت شده‌اند، چانه‌زنی کند». بیش از ۲۰ سال است که جاناتان لاسکر نقاشی می‌کند و در کلاس درس هنرمندانی مثل سوزان روتنبرگ و رابرت موسکویتز حاضر شده و آنها را شناخته اما از آنها تأثیر نگرفته‌است. او در این مدت، آثاری خلق کرده که هر چند در حوزه عمل نقاشی مدرن‌بستگی قرار دارند، چالش‌هایی جدی برای وضع حاضر این سبک ایجاد کرده‌اند. او در این مسیر، بیش از هنرمندان بنام هم‌دوره‌اش، اعتبار و سرزندگی نقاشی آستره مدرن را حفاظت کرده و به آن پر و بال بخشیده است. در آثار لاسکر، تصاویر بخشی از نقشه عظیمی هستند که زندگی نام می‌گیرد، اما آثار او و وجهی از قبیل فرم، رنگ، بافت و شیوه استفاده از رنگ بی‌بدیلند. هر تصویری هویتی مجزا می‌گیرد و به شیء، مفهوم یا خاطره‌ای تبدیل می‌شود. هر تصویر به عنصری در نقاشی تبدیل می‌شود که ارزش بررسی و تفکر دارد، می‌شود آن را تجربه و زندگی کرد و به خاطر سپرد. تصاویر نقاشی‌های لاسکر، سازنده‌های ساختار بزرگ‌تری هستند که او خالقش است. یکی از معروف‌ترین آثار جاناتان لاسکر «برای الهه فراری» نام دارد که در آن، هنرمند با تسلط کامل بر کیفیت رنگ و فرم و ترکیب، حسی از سرگشتگی انسان را پس از ناامید شدن از وجود الهه‌ها منتقل می‌کند. او با بازی با رنگ و سایه و ترکیب، سنگینی تنهایی انسان را به تصویر کشیده و از این طریق است که بیننده‌ها را تا مدت‌ها تحت تأثیر نقش‌ها و رنگ‌هایش نگه می‌دارد. او این اثر را روی پارچه کتانی کشیده و پس از خشک شدن رنگ آب روی پارچه، رنگ روغن زرد را با غلظت بسیار زیاد روی پارچه به فرمی که در نظر داشته، شکل داده است. این اثر هم با اندازه ۱۵۲ سانتیمتر در ۲۰۳ سانتیمتری‌اش در میان نقاشی‌های بزرگ لاسکر قرار می‌گیرد.

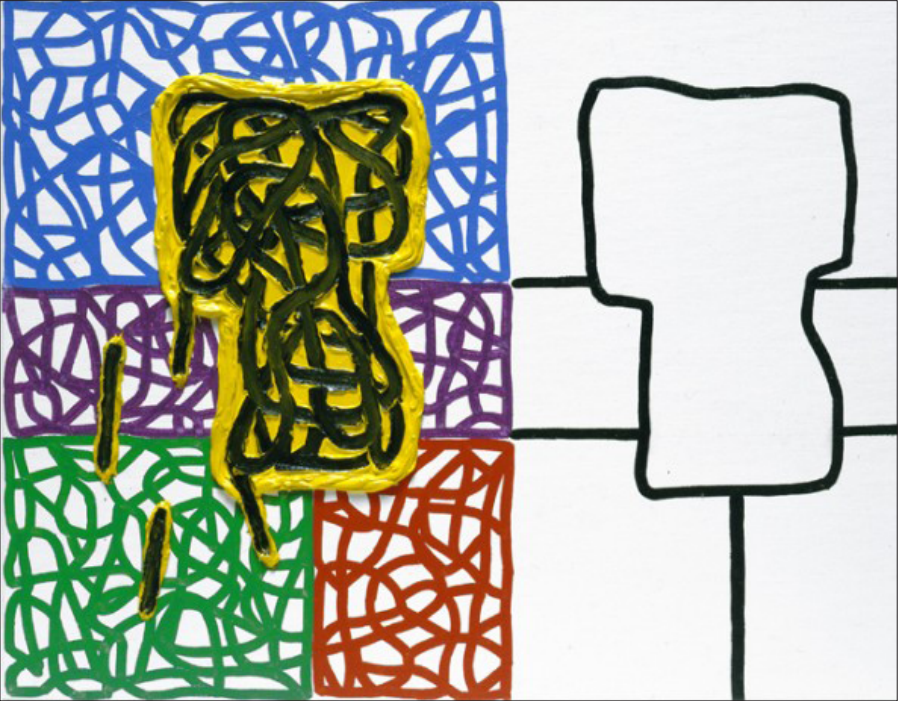
«هویت پنهان» نام یکی دیگر از آثار لاسکر است که دقت در انتخاب رنگ‌ها و خطوط موازی از یک سو و استفاده هوشمندانه از تأثیر رنگ سیاه در آن از سوی دیگر، تصویری زنده از موقعیت‌هایی در زندگی انسان خلق کرده که در آن سرگشتگی و بحران هویت دامانش را گرفته و او را به قهقرا می‌کشد. هنرمند از طریق همین تصاویر ظاهراً ساده است که عمیق‌ترین نگرانی‌ها و حتی بحران‌های شخصی‌اش را عینیت می‌بخشد و آنها را با بیننده به اشتراک می‌گذارد. در سال‌های اخیر، لاسکر به استفاده همزمان از مواد گوناگون در یک تابلوی نقاشی روی آورده و ترس ترکیب کردن رنگ را با مواد دیگر کنار گذاشته است. او در یکی از جدیدترین و بحث‌برانگیزترین آثارش به نام «تصویر فیزیکی» از رنگ و روغن و پارچه کتان همزمان استفاده کرده است. نتیجه این کار نقاشی بزرگی با ابعاد ۷۵ سانتیمتر در ۱۰۲ سانتیمتر است که در آن، پرسپکتیو فرم‌ها با تکیه بر تفاوت‌های بنیادی رنگ و پارچه چشمگیر است. در این اثر، بیننده در نتیجه این تفاوت‌های بنیادی درست به همان مسیری هدایت می‌شود که هنرمند از او می‌خواهد. بیننده خود را به دست‌های توانای نقاش می‌سپارد و همراه او به دنیای پیچیده دواهی‌ها و انتخاب‌ها، تصمیمات و مسوولیت‌ها، گذشته تاریک و آینده درخشان قدم می‌گذارد.



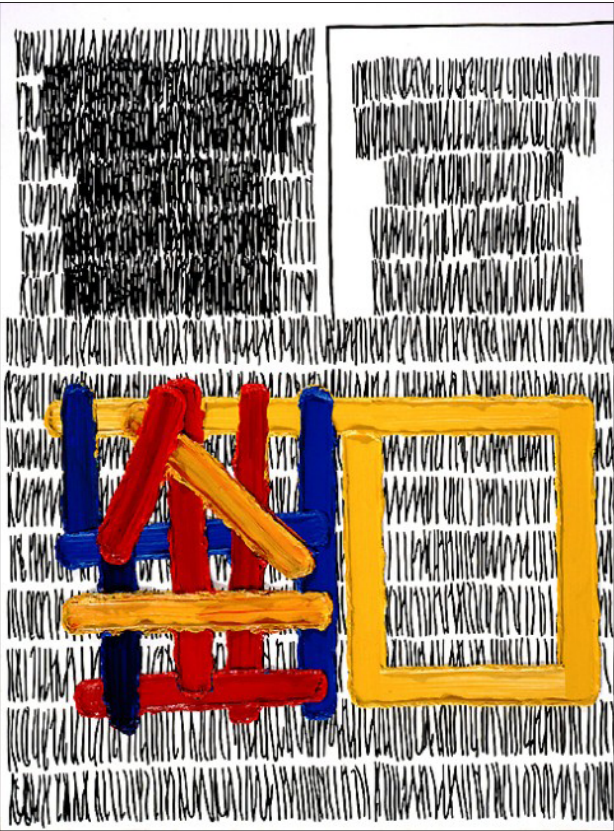
آثار نقاشی نیوگلک، ۲۰۰۲



تبدیل عنوان، ۱۹۹۹



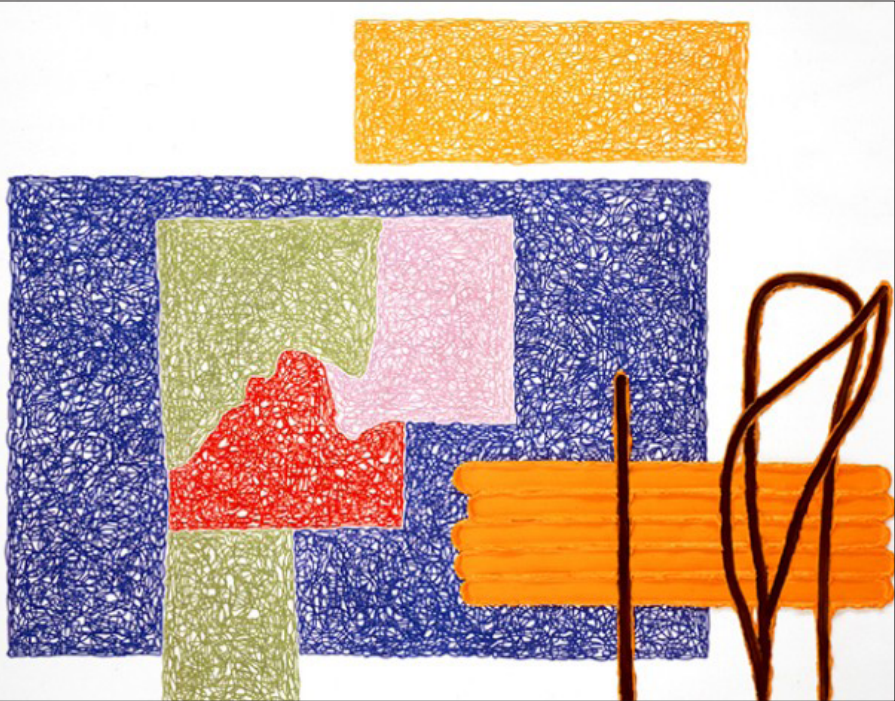
تصویر قرآنی‌دانی، ۲۰۰۳



عشق متخلف، ۱۹۹۸



تبدیل عنوان، ۲۰۰۰



بر فراز چهارزار مدرن، ۱۹۹۹